

کتاب دانیال - شماره هفتاد و هفت

پرده برداری از همسانی پیش‌گویانه: ادونتیسیم لاودیکیه‌ای در سال ۱۸۶۳ و نمونه‌شناسی کتاب مقدسی

Jeff Pippenger

2024-02-10

شورش ادونتیسیم لاودیکیه‌ای در سال ۱۸۶۳ به لعنت اعلام‌شده علیه بازسازی اریحا تشبیه شده است.

و یوشع در آن زمان ایشان را سوگند داد و گفت: لعنت باد بر آن مرد در حضور خداوند که برخیزد و این شهر اریحا را بنا کند! با نخست‌زاده خود پی آن را خواهد گذاشت و با کوچک‌ترین پسرش دروازه‌های آن را برپا خواهد داشت. یوشع ۶:۲۶.

سرکشی آدونتیسیم لاودیکیه‌ای در سال ۱۸۶۳ با رد کردن سنگ زاویه از سوی بنایان تمثیل شده است.

عیسی به ایشان گفت: «آیا هرگز در کتب مقدس نخوانده‌اید: "سنگی که بناها رد کردند، همان سر زاویه شده است؛ این کار خداوند است و در نظر ما شگفت‌انگیز است"؟ پس به شما می‌گویم: ملکوت خدا از شما گرفته خواهد شد و به قومی که میوه‌های آن را به بار می‌آورد، داده خواهد شد.» متی ۲۱:۴۲، ۴۳.

شورش ادونتیسیم لاودیکیه‌ای در سال ۱۸۶۳، به گوساله طلایی هارون تمثیل شده است.

زیرا به من گفتند: «برای ما خدایانی بساز که پیشاپیش ما بروند؛ زیرا از این موسی، آن مردی که ما را از سرزمین مصر بیرون آورد، نمی‌دانیم چه بر سرش آمده است.» و به آنان گفتم: «هر که طلا دارد، آن را جدا کند.» پس آن را به من دادند؛ آنگاه آن را در آتش افکندم و این گوساله بیرون آمد. و چون موسی دید که قوم عریان است (زیرا هارون ایشان را عریان کرده بود تا نزد دشمنانشان مایه شرمساری‌شان شود). خروج ۳۲:۲۳-۲۵.

عصیان ادونتیسیم لاودیکی در سال ۱۸۶۳، به وسیله دو گوساله زرین یربعام تمثیل شده است.

اگر این قوم برای به‌جا آوردن قربانی در خانه خداوند در اورشلیم بالا روند، آنگاه دل این قوم دوباره به سوی سرورشان، یعنی رجبام، پادشاه یهودا، بازخواهد گشت، و مرا خواهند کشت و باز نزد رجبام، پادشاه یهودا، خواهند رفت. پس پادشاه مشورت کرد و دو گوساله زرین ساخت و به ایشان گفت: رفتن به اورشلیم برای شما سخت است؛ اینک ای اسرائیل، اینها خدایان تو هستند که تو را از سرزمین مصر بیرون آوردند. و یکی را در بیت‌ئیل قرار داد و دیگری را در دان. اول پادشاهان ۱۲:۲۷-۲۹.

شورش ادونتیسیم لاودیکیه‌ای در سال ۱۸۶۳، توسط پیامبری از یهودا که میان اللاغ و شیر مُرد، تمثیل شده است.

و چنین شد که بعد از آنکه نان خورد و پس از آنکه نوشید، برای او اللاغ را زین کرد، یعنی برای آن نبی که او را بازگردانده بود. و چون او روانه شد، شیری در راه با او روبه‌رو گشت و او را کشت؛ و لاشه‌اش در راه افکنده شد و اللاغ کنار آن ایستاده بود؛ شیر نیز کنار آن لاشه ایستاده بود. اول پادشاهان ۱۳:۲۳، ۲۴.

شورش ادونتیسیم لاودیکی در سال ۱۸۶۳، به وسیله آزمون دهم اسرائیل باستان که سرگردانی آنان در بیابان را آغاز کرد، تمثیل شده است.

اما به حیات خودم قسم که تمام زمین از جلال خداوند پر خواهد شد. زیرا همه آنان که جلال مرا و معجزاتم را که در مصر و در بیابان انجام دادم دیده‌اند و اکنون ده بار مرا آزموده‌اند و به آواز من گوش نسپرده‌اند، به یقین آن سرزمینی را که برای پدرانشان سوگند خوردم نخواهند دید؛ و هیچ‌یک از آنان که مرا به خشم آوردند آن را نخواهند دید. اما بندهام کالب، چون روحی دیگر با او بود و با تمامی دل مرا پیروی کرده است، او را به همان سرزمینی که به آن رفت خواهم آورد و نسل او آن را به میراث خواهد برد. اعداد ۱۴:۲۱-۲۳.

پولس رسول تعلیم داد:

اکنون همه اینها برای آنان به عنوان نمونه رخ داد؛ و برای تذکر ما نوشته شد، برای ما که پایان‌های جهان فرا رسیده است. اول قرن‌تین ۱۰:۱۱.

در توضیح آن اصل پیامبرانه، خواهر وایت گفت:

«هر یک از انبیای باستانی کمتر برای زمان خود سخن گفتند تا برای زمان ما، به‌گونه‌ای که نبوت ایشان برای ما نافذ است.» و همه این امور به جهت عبرت برای ایشان واقع شد، و برای تنبیه ما مکتوب گردید، که انتهای عالم‌ها بر ما رسیده است.» 1 Corinthian 10:11. «نه برای خود، بلکه برای ما خدمت می‌کردند در این امور که اکنون به شما اعلام شده است، به‌وسیله آنان که انجیل را به شما بشارت دادند، به روح‌القدس فرستاده‌شده از آسمان؛ اموری که فرشتگان آرزومندند در آن‌ها نظر افکنند.» 1 Peter 1:12....»

کتاب مقدس گنجینه‌های خود را برای این نسل آخر انباشته و یکجا گرد آورده است. همه رویدادهای بزرگ و وقایع خطیر تاریخ عهد عتیق در این روزهای واپسین در کلیسا خود را تکرار کرده‌اند و می‌کنند. پیام‌های برگزیده، جلد ۳، ۳۳۸، ۳۳۹.

پیام باران پسین، به گفته اشعیا، پیامی است؛ زیرا او تصریح می‌کند که شیران از شنیدن آن سر باز خواهند زد، و آن پیام را «خط بر خط» توصیف می‌کند.

او به چه کسی دانش بیاموزد؟ و به چه کسی آموزه را بفهماند؟ به آنان که از شیر باز گرفته شده‌اند و از پستان‌ها جدا شده‌اند. زیرا باید دستور بر دستور باشد، دستور بر دستور؛ خط بر خط، خط بر خط؛ اندکی اینجا و اندکی آنجا. زیرا با لب‌های لکنت‌دار و زبانی دیگر با این قوم سخن خواهد گفت. به آنان گفت: این است آرامش که با آن خستگان را می‌آرامانید؛ و این است تجدید نیرو؛ اما نخواستند بشنوند. اما کلام خداوند برای ایشان شد: دستور بر دستور، دستور بر دستور؛ خط بر خط، خط بر خط؛ اندکی اینجا و اندکی آنجا، تا بروند و به قفا بیفتند و شکسته شوند و به دام افتند و گرفته شوند. اشعیا ۹:۲۸-۱۳.

از میان شش خطی که همین‌اکنون شناسایی کرده‌ایم، و البته خطوط دیگری هم هست که به آن‌ها اشاره نکرده‌ایم، یکی بر سال ۱۸۶۳ تأکید می‌کند، به‌عنوان پایان آزمونی تدریجی که به سرگردانی در بیابان انجامید. دو مورد بر این نکته تأکید دارند که قوم صاحب عهد پیشین کنار گذاشته شده و با قوم برگزیده تازه‌ای جایگزین می‌شود. یکی لعنتی را نشان می‌دهد برای بازسازی چیزی که قرار بود همان‌گونه که زیر لعنت خدا ویران و متروک مانده بود، رها شود، و دیگری لعنتی را نشان می‌دهد برای بازگشت به جایی که رفتن به آن ممنوع بود. دو مورد نیز نمونه‌هایی از نسخه‌های تقلبی دو لوح ده فرمان را ارائه می‌دهند که نمایانگر دو لوح حقیق بودند.

گوساله‌های زرین هارون و یربعام نمایانگر تصویری بدلی از «تمثال غیرت» هستند؛ تمثالی که نمودار جعلی ۱۸۶۳ را بازنمایی می‌کرد. وقتی کنار هم نهاده شوند، دو شاهد هارون و یربعام می‌آموزند که دو لوح حقیق نمایانگر یک لوح‌اند، به همان شیوه‌ای که دو لوح ده فرمان نمایانگر یک شریعت واحد

خدا هستند. با هم به یک نماد واحد بدل می‌شوند؛ نمادی که از دو جزء تشکیل می‌شود وقتی در کنار هم قرار گیرند. همان پویایی‌های نبوی دو لوح شریعت خدا در دو لوح حقوق نیز وجود دارد، و بدل‌های هارون و یربعام در کنار هم به آن پدیده نبوی می‌پردازند.

نخستین نسل ادونتیسیم با «تمثال غیرت» در فصل هشتم حزقیال نمادپردازی شده است. رؤیایی که در روز پنجم ماه ششم سال ششم، در فصل هشتم حزقیال آغاز می‌شود، تا فصل نهم ادامه می‌یابد؛ جایی که مهر شدن یک‌صد و چهل و چهار هزار به تصویر کشیده می‌شود. وقتی به تصویر مهر شدن فصل نهم می‌پردازد، خواهر وایت صفتی از شخصیت خدا را می‌گنجاند که نشان می‌دهد خدا نافرمانان را در نسل سوم و چهارم داوری می‌کند. از این‌رو او حقیقتی را که مستقیماً با فرمان دوم مرتبط است می‌گنجاند؛ همان فرمانی که پرستش بت‌ها را منع می‌کند، همچون گوساله‌های زرین هارون و یربعام.

و او مردی را که کتان بر تن داشت و دوات نویسنده بر پهلویش بود، فراخواند؛ و خداوند به او گفت: از میان شهر، از میان اورشلیم عبور کن و بر پیشانی مردانی که برای همه رجاسات انجام‌شده در میان آن ناله می‌کنند و می‌گیرند، نشانی بگذار. و به دیگران، در حالی که من می‌شنیدم، گفت: در پی او از میان شهر بگذرید و بزنید؛ چشمتان دریغ نوزد و ترحم مکنید؛ پیر و جوان، هم باکره‌ها و کودکان خردسال و زنان را بالمره بکشید؛ اما به هیچ مردی که بر او آن نشان است نزدیک نشوید؛ و از مقدس من آغاز کنید. آنگاه از ریش سفیدانی که در برابر خانه بودند آغاز کردند.

عیسی در آستانه ترک کرسی رحمت قدسگاه آسمانی است تا جامه‌های انتقام بر تن کند و خشم خود را در داوری‌ها بر کسانی فرو ریزد که به نوری که خدا به آنان داده پاسخ نداده‌اند. «زیرا چون حکم بر کار بد به سرعت اجرا نمی‌شود، دل بنی‌ادم یکسره بر آن می‌شود که بدی کنند.» به جای آنکه صبر و بردباری درازمدتی که خداوند نسبت به آنان به کار برده دلشان را نرم سازد، کسانی که از خدا نمی‌ترسند و حقیقت را دوست نمی‌دارند دل‌های خود را در مسیر شرارتشان سخت‌تر می‌کنند. اما حتی بردباری خدا نیز حد و مرزی دارد و بسیاری از این مرزها فراتر می‌روند. آنان از حدود فیض گذشته‌اند، و از این‌رو خدا باید دخالت کند و جلال و حرمت خویش را اعاده نماید.

دربارهٔ اموریان، خداوند گفت: «در نسل چهارم بار دیگر به اینجا باز خواهند آمد، زیرا گناه اموریان هنوز کامل نشده است.» هرچند این قوم به سبب بت‌پرستی و فسادش شهره بود، هنوز جام گناه خود را پر نکرده بود و خدا فرمان نابودی کاملش را صادر نمی‌کرد. مقرر بود که مردم قدرت الهی را به گونه‌ای چشمگیر آشکار شده ببینند تا عذری برایشان باقی نماند. خالق رحیم حاضر بود تا نسل چهارم در برابر گناهشان بردباری کند. سپس، اگر بهبودی دیده نمی‌شد، داوری‌های او بر آنان فرود می‌آمد.

با دقتی بی‌خطا، آن ذات نامتناهی هنوز حساب همهٔ ملت‌ها را نگه می‌دارد. تا زمانی که رحمت او همراه با دعوت به توبه عرضه می‌شود، این حساب باز می‌ماند؛ اما هنگامی که ارقام به حدی که خدا مقرر کرده برسد، اجرای خشم او آغاز می‌شود. حساب بسته می‌شود. شکیبایی الهی پایان می‌یابد. دیگر برای آنان التماس رحمت در میان نیست.

پیامبر، که در امتداد اعصار می‌نگریست، این زمان در برابر دیدگانش نمایان شد. ملت‌های این عصر دریافت‌کنندگان رحمت‌هایی بی‌سابقه بوده‌اند. برگزیده‌ترین برکات آسمان به آنان عطا شده است، اما تکبر فزاینده، حرص، بت‌پرستی، بی‌حرمتی به خدا و ناسپاسی پست بر ضد آنان ثبت شده است. آنان به سرعت حساب خود را با خدا می‌بندند.

اما آنچه مرا به لرزه می‌اندازد این است که آنان که بیشترین نور و امتیازات را داشته‌اند، به شرارت رایج آلوده شده‌اند. تحت تأثیر ناراستان اطراف خود، بسیاری، حتی از میان کسانی که به حقیقت اقرار دارند، سرد شده و مغلوب جریان نیرومند شر گشته‌اند. تحقیر همگانی پارسایی و قداست حقیقی سبب می‌شود کسانی که پیوند نزدیکی با خدا ندارند، حرمت شریعت او را از دست بدهند. اگر از نور پیروی می‌کردند و از دل از حقیقت اطاعت می‌کردند، این شریعت مقدس هنگامی که چنین تحقیر و کنار گذاشته می‌شود، در نظرشان عزیزتر می‌نمود. هرچه بی‌حرمتی به شریعت خدا آشکارتر می‌شود، خط تمایز میان پاسداران آن و جهان روشن‌تر می‌گردد. محبت به فرامین الهی در یک گروه به همان نسبت افزایش می‌یابد که تحقیر آنها در گروهی دیگر فزونی می‌گیرد.

بحران به سرعت نزدیک می‌شود. آمار به سرعت فزاینده نشان می‌دهند که زمان رسیدگی خداوند نزدیک شده است. گرچه از مجازات کردن اکراه دارد، با این همه مجازات خواهد کرد، آن هم به سرعت. کسانی که در نور راه می‌روند نشانه‌های خطر نزدیک‌شونده را خواهند دید؛ اما نباید در سکوت و بی‌تفاوتی بنشینند و در انتظار ویرانی بمانند، و با این باور به خود دلگرمی دهند که خداوند در روز رسیدگی قوم خود را پناه خواهد داد. به هیچ‌وجه چنین نیست. باید دریابند که وظیفه دارند با جدیت بکوشند تا دیگران را نجات دهند و با ایمانی استوار چشم امید به یاری خدا بدوزند. «دعای مؤثر و پرحرارت مرد پارسا بسیار کارساز است.»

خمیرمایه تقوا کاملاً قدرت خود را از دست نداده است. در زمانی که خطر و اندوه کلیسا به اوج می‌رسد، گروه کوچکی که در نور ایستاده‌اند برای پلیدی‌هایی که در سرزمین انجام می‌شود آه می‌کشند و می‌گریند. اما به‌ویژه دعا‌های ایشان در حق کلیسا برخواهد خاست، زیرا اعضای آن مطابق روش جهان رفتار می‌کنند.

دعا‌های صادقانه این معدود وفاداران بی‌پهلو نخواهد بود. هنگامی که خداوند به‌عنوان دادخواه ظاهر شود، همچنین به‌عنوان حافظ همه کسانی خواهد آمد که ایمان را در پاکی آن حفظ کرده و خود را از جهان بی‌لکه نگاه داشته‌اند. در همین هنگام است که خدا وعده داده است از برگزیدگان خود که شبانه‌روز نزد او فریاد می‌کنند دادخواهی کند، هرچند با آنان درنگ می‌ورزد.

فرمان این است: «از میان شهر بگذرید، از میان اورشلیم، و نشانی بر پیشانی مردانی بگذارید که به خاطر همه رجاساتی که در میان آن انجام می‌شود آه می‌کشند و زاری می‌کنند.» این نالانان و گریانان کلمات حیات را عرضه کرده بودند؛ توبیخ کرده، اندرز داده و التماس نموده بودند. برخی از کسانی که خدا را بی‌حرمت می‌کردند توبه کردند و دل‌های خود را در حضور او فروتن ساختند. اما جلال خداوند از اسرائیل رفته بود؛ هرچند بسیاری هنوز ظواهر دین را ادامه می‌دادند، قدرت و حضور او دیگر در میانشان نبود. گواهی‌ها، جلد ۵، ۲۰۷-۲۱۰.

برای درست تفسیر کردن رؤیای مهر کردن، چنان‌که حزقیال آن را بیان کرده است، فهم چهار نسل ادونتیسیم ضروری است. خواهر وایت بخشی را که برگزیده‌ایم با ارجاع مستقیم به باب نهم حزقیال آغاز می‌کند، و بخش برگزیده ما نیز با ارجاع مستقیمی به باب نهم حزقیال پایان می‌یابد. او در آن بخش درباره حزقیال می‌گوید: «پیامبر، که به امتداد اعصار می‌نگریست، این زمان در برابر رؤیایش قرار داده شده بود.» حزقیال اوضاع و احوالی را دید که هنگام مهر کردن یکصد و چهل و چهار هزار رخ می‌دهد.

در مقاله پیشین، با استناد به سه بخش مشخص از «روح نبوت» نشان دادیم که «میگساران افرایم» اشعیا—که در این بخش به‌عنوان «مردان کهنسال» معرفی شده‌اند و در هر دو جا نماینده رهبری اورشلیم (ادونتیسیم) هستند—نمی‌توانند ببینند که قرار است تجلی عظیمی از قدرت خدا همچون سال‌های پیش رخ دهد. در این بخش، همان تجلی قدرت خدا که آنان از دیدنش امتناع می‌ورزند، به‌عنوان بخشی از داوری الهی که بر آنان نازل می‌شود رخ خواهد داد، زیرا گفته شده است: «قرار بود

قوم تجلی قدرت الهی را به طور چشمگیری ببینند تا بی‌بهبانه بمانند.»

ادونتیسیم لاودکیه‌ای از دیدن تجلی باران پسین، که نم‌نم آن از 11 سپتامبر 2001 آغاز شد، سر باز می‌زند؛ اما آنان اوج آن بارش را زمانی خواهند دید که پیام فریاد نیمه‌شب در روزهای آخر تکرار شود. آن پیام، اسلام وای سوم است. مگر رهبران اسرائیل باستان که تازه مسیح خود را مصلوب کرده بودند، شاهد ریختن روح‌القدس در روز پنتیکاست نبودند؟

این بخش کلیسا را شناسایی می‌کند؛ کلیسایی که بنا بر زمینه متن، نزد حزقیال به صورت اورشلیم نمایانده شده است. اعضای درون کلیسا (اورشلیم) در تقابل با «گروه کوچکی» قرار می‌گیرند که همان کسانی‌اند که «در نور گام برمی‌دارند» و «اندک وفادار» هستند. کتاب مقدس می‌آموزد که «بسیاری» دعوت می‌شوند، اما «اندکی» برگزیده می‌گردند. موضوع این بخش شامل خشم خداست که بر قوم او نازل می‌شود. مردم داوری خود را بر خویش آورده‌اند، اما خدا به صراحت تأکید می‌کند که این فرشتگان او هستند که کار نابودی را به انجام می‌رسانند. خدا هرگز دروغ نمی‌گوید و وعده داده است که این خود اوست که گناه انسان را تا نسل سوم و چهارم مجازات می‌کند. نسبت دادن اجرای داوری به هر کس جز خدا، انکار شخصیت اوست و بر این دلالت دارد که او را دروغگو می‌شماریم.

این متن بیان می‌کند که وقتی فرشتگان هلاک‌گر حزقیال شروع به گذشتن از میان اورشلیم می‌کنند، در همان هنگام است که «خدمت خشم او آغاز می‌شود». خشم خدا از اورشلیم آغاز می‌شود؛ همان کلیسای او، یعنی ادونتیسیم لاودیکایی.

زیرا زمان فرا رسیده است که داوری باید از خانه خدا آغاز شود؛ و اگر نخست از ما آغاز شود، سرانجام کسانی که از انجیل خدا اطاعت نمی‌کنند چه خواهد شد؟ اول پطرس ۴:۱۷.

خشم خدا به وسیله فرشتگان خدا به اجرا درمی‌آید، و هنگامی که کارشان آغاز می‌شود، به آنان فرمان داده می‌شود که «همه را بزیند» و اینکه «چشم‌تان دریغ نورزد و ترحم مکنید: پیر و جوان را به کلی بکشید، هم دوشیزگان و هم کودکان خردسال و زنان را؛ اما به هیچ مردی که بر او نشان است نزدیک نشوید؛ و از قدس من آغاز کنید.» خشم خدا به دست فرشتگان مقدس اجرا می‌شود، و نکته‌ای که می‌خواهیم در اینجا مشخص کنیم این است که آغاز خدمت خشم خدا در نسل چهارم صورت می‌گیرد.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

و در روز قربانی خداوند چنین خواهد شد که امیران و فرزندان پادشاه و همه آنان را که جامه بیگانه پوشیده‌اند، مجازات خواهیم کرد. و در همان روز نیز همه کسانی را مجازات خواهیم کرد که بر آستانه می‌جهدند و خانه‌های اربابان خود را از ظلم و فریب پر می‌کنند. و در آن روز، خداوند می‌گوید، چنین خواهد شد که آوای فریادی از دروازه ماهی، و ناله‌ای از محله دوم، و شکستی عظیم از کوه‌ها به گوش رسد. ای ساکنان مکتش، ناله کنید، زیرا همه قوم بازرگان منقطع شده‌اند؛ همه آنان که نقره حمل می‌کنند، از میان بریده شده‌اند. و در آن زمان چنین خواهد شد که اورشلیم را با چراغ‌ها تفتیش خواهیم کرد و مردانی را که بر تفاله شراب خود آرام گرفته‌اند و در دل خود می‌گویند: «خداوند نه نیکویی خواهد کرد و نه بدی»، مجازات خواهیم کرد. صفتیا 12:8-12.